



از سری مباحث اقتصاد ایران (شماره ۷)

# بازار کارایران از طرف چه گروه‌های اجتماعی تحت فشار خواهد بود؟

شرکت گروه مشاوران مدیریت و مطالعات راهبردی تدبیر

شهریور ماه ۱۳۹۶

## بسمه تعالی

### مقدمه:

بازار کار ایران در سال‌های آتی از سه ناحیه تحت فشار قرار خواهد گرفت: **افراد تحصیلکرده، زنان و گروه سنی جوان** نرخ بیکاری در این سه گروه از متوسط نرخ بیکاری کشور بالاتر است و از این رو اتخاذ سیاست‌های مناسب برای آنها ضروری می‌باشد (نیلی، ۱۳۹۶). در ادامه مطالب به تبیین هر یک از موارد سه گانه پرداخته می‌شود.

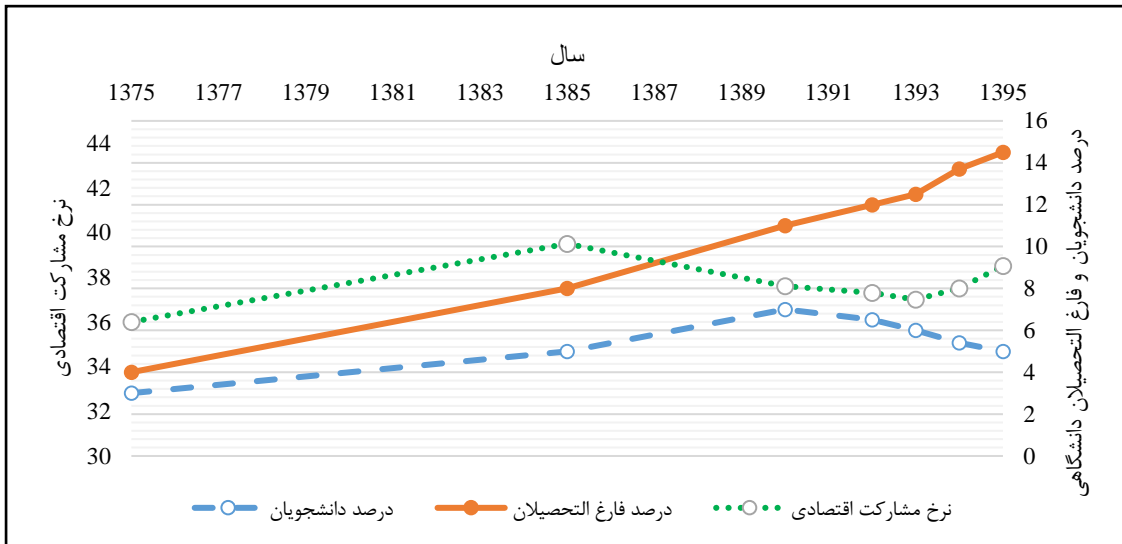
### ۱- نیروهای تحصیلکرده

برای بررسی اولیه وضعیت نیروهای تحصیل کرده در بازار کار ایران، ۳ بازه زمانی را می‌توان در نظر گرفت: پیش از سال ۱۳۸۵، بین سالهای ۱۳۹۲-۱۳۸۶ و از سال ۱۳۹۲ تاکنون.

پیش از سال ۱۳۸۵، تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی و نرخ مشارکت، به شکل متناسبی در حال افزایش بودند. اما این روند در بازه زمانی دوم دچار تغییر می‌شود. بنحوی که افراد دارای تحصیلات دانشگاهی رو به افزایش و نرخ مشارکت در شیب نزولی قرار می‌گیرد. در بازه سوم، بار دیگر این دو متغیر همراستا شده‌اند. اما با این تفاوت که شیب افزایشی نرخ مشارکت در سه سال اخیر تندتر از دوره اول شده است. این افزایش شیب، گویای سیل عظیم ورودی به بازار کار ایران است.

میانگین جهانی نرخ مشارکت بیش از ۶۲ درصد و در کشور ما حدود ۳۹ درصد است. نرخ مشارکت در ایران نیز باید به سمت میانگین جهانی حرکت کند، تا بتواند به رشد اقتصادی کمک نماید. این نرخ در سالهای آتی نیز افزایش پیدا خواهد کرد که بمعنی افزایش **عرضه نیروی کار** در کشور است. برای پاسخگویی به افزایش عرضه نیروی کار، باید نسبت به **ظرفیت سازی های اقتصادی** اقدام کرد، تا **تقاضای نیروی کار** نیز افزایش یابد. این امر موجب **تعادل** در عرضه و تقاضای گسترده در بازار کار خواهد شد. در غیر اینصورت شرایط نگران کننده خواهد بود. لازم بذکر است، هر یک درصد افزایش نرخ مشارکت، موجب افزایش حدود یک میلیون نفر عرضه نیروی کار در کشور می‌شود.

یکی از نکات مهم و قابل توجه در بازار آتی کار، کاهش تعداد دانشجویان و افزایش فارغ التحصیلان است. تعداد دانشجویان طی سالهای ۹۰-۱۳۷۵، همواره رو به افزایش بوده، اما این روند در سالهای ۹۶-۱۳۹۰ متوقف شده است. ولی نکته مهم اینست که از سال ۱۳۹۰ که تعداد دانشجویان کاهش یافته، تعداد فارغ التحصیلان افزایش یافته است. نمودار ذیل تحولات مربوطه را نشان می دهد (نیلی، ۱۳۹۶).



پیام اصلی کاهش و افزایش مزبور برای سیاست گذار اینست که جمعیت قابل توجهی از فارغ التحصیلان که حدود ۳/۵ میلیون نفر می شوند، بطور تدریجی طی سالهای آتی وارد بازار کار می شوند و بازار کار را تحت فشار جدی قرار می دهند. بعبارت دیگر با توجه به اینکه حدود ۱,۱ میلیون نفر فارغ التحصیلان بیکار در کشور وجود دارد، در سالهای آتی میزان مزبور بالغ بر ۴,۶ میلیون نفر خواهد شد.

## ۲- زنان

در سه سال اخیر ورودی زنان به بازار کار ایران از مردان بیشتر شده است. حال آنکه سمت تقاضا، آمادگی برای جذب این نیرو را نداشته و بازار کار با یک شوک مواجه شده است. اگر نرخ مشارکت زنان ۲۵ تا ۲۹ ساله در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۴ درصد بود، این عدد در سال ۱۳۹۵ به حدود ۲۵ درصد رسیده است. با توجه به سرمایه گذاری‌های فراوان آموزشی برای زنان در دانشگاهها و عدم تقاضای کافی در بازار کار، نوعی اتلاف منابع انسانی و مالی در کشور بوجود آمده است که محتاج تدبیر و چاره اندیشی جدی است.

### ۳- گروه سنی جوان

با توجه به ترکیب سنی جمعیت کشور، می‌توان افراد را به دو دسته سنی بالای ۳۰ سال و کمتر از ۳۰ سال تقسیم کرد. محاسبات روند تحولات بازار کار حاکی از ورود سیل عظیم افراد بالای ۳۰ سال به بازار کار از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ است. یکی از مسائل مهم کنونی، توجه به مهارت آموزی برای افراد بدون تحصیلات و جوان در کشور است تا آنها آمادگی ورود به بازار کار را بدست آورند. حدود ۲,۵ میلیون نفر در گروه سنی جوان بیکار هستند.

#### چه باید کرد؟

برای پاسخگویی به عرضه فراوان نیروی کار در سالهای آتی، باید طرف تقاضای نیروی کار افزایش یابد. همانطور که گفته شد، این امر از طریق افزایش ظرفیت‌های اقتصادی و افزایش نرخ رشد اقتصادی رقم خواهد خورد. بنابراین نیاز اساسی ج.ا. ایران، پی‌گیری نرخ رشد اقتصادی بالا همراه با اشتغال زایی بالا است. اما **نکته قابل تامل اینستکه** با مروری به عملکرد بخش‌های اقتصادی طی ده سال گذشته در ایران و همچنین روند اقتصاد جهانی، این نکته قابل تامل بدست می‌آید که افزایش رشد لزوماً همراه با افزایش اشتغال نمی‌باشد.

بعنوان نمونه باید گفت، براساس آمارهای بانک مرکزی، ارزش افزوده بخش صنعت و معدن بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳، به طور متوسط سالانه ۳/۴ درصد رشد کرده است. ولی در همین دوره رشد سالانه اشتغال در کارگاه‌های صنعتی به طور متوسط سالانه ۲ درصد بوده است. این اختلاف گویای اینستکه رشد بخش صنعت، رشد اشتغال‌زا نبوده است که **عدم همسویی رشد صنعتی و رشد اشتغال زایی** را نشان می‌دهد. بعبارت دیگر، رشد صنعتی مزبور، موجب افزایش تقاضا برای نیروی کار نشده است. روند اقتصاد جهانی نیز دلالت بر رشد اقتصادی از طریق بکارگیری فناوری‌های پیشرفته و همچنین افزایش بهره‌وری دارد. این نکات لزوماً همراه با افزایش اشتغال نمی‌باشد.

بنابراین یکی از پیچیدگی‌های اقتصاد ایران، برقراری پیوند رشد اقتصادی و صنعتی همراه با افزایش اشتغال است. چرا که در شرایط کنونی، ایندو تغییر دارای همبستگی بالا نسبت بیکدیگر نمی‌باشند.